

درباره کوچه «حسین‌باشی» که روزگاری از میان باغ‌های سرسبز انگور می‌گذشت، اما امروز مش‌هدی‌ها آن را با عنوانی دیگر می‌شناسند

خاطره‌بازی در طولانی‌ترین کوچه شهر



مسجد احمدیه، تنها مسجد مسیر اصلی در کوچه حسین باشی



یکی از قدیمی ترین مغازه های کوچه

- از کوچه «بیرون‌باره» تا کوی «کمال‌الملک»

کوچه حسین‌باشی در عمر نزدیک به صدساله‌اش با اسامی مختلفی شناخته می‌شده است. اگر از اسم حسین‌باشی –که ماناترین اسمی بوده و از دهه اول قرن ۱۴خورشیدی برای معرفی این کوچه استفاده می‌شده است – بگذریم، باید بگوییم که از این مسیر در سال‌های اولیه ایجادش، با عنوان کوچه بیرون‌باره شمالی یاد شده است.

همچنین پس از آغاز فعالیت‌کوره‌آجریزی مرحوم باشی‌زاده‌فخار در این کوچه، باتوجه به نبود کوره‌ای دیگر در آن محدوده، این مسیر به‌اختصار کوچه‌کوره‌خوانده می‌شده‌است.
خواجه‌ربیع ۲۲ و خواجه‌ربیع ۱۸ (این نام پس از اجزای طرح عظیم میدان شهدا ثبت شده است) هم دیگر نام‌های رسمی این کوچه از جانب شرقی آن هستند. البته این‌عنوان هم پس از تغییر اسم بخش نخست خیابان خواجه‌ربیع به نام آیت... عبادی از سوی شورای اسلامی شهر مشهد، به آیت... عبادی ۱۸ تغییر کرد؛ همچنین نام نخست این کوچه از جانب غربی آن (پس از ایجاد خیابان شاهرخ‌شمالی) کوچه شاهرخ‌شمالی ۷ بود که با تغییر نام خیابان اصلی به شهیدمطهری، این نام هم به مطهری‌شمالی ۷ تغییر کرد.

در سال‌های اخیر نیز بر تابلوی ورودی کوچه، نام شهید مهدی یونس مهاجر (از شهدای ساکن کوچه) نوشته شده‌ است. سرانجام اینکه در حداقل‌سال‌های ۱۳۵۲ تا میانه ۱۳۵۷ که عبدالعظیم ولیان استاندار خراسان بود برای معرفی این مسیر به جای عنوان کوچه حسین باشی از کوچه یا کوی کمال‌الملک هم استفاده می‌شد.

- کوچه‌ای که از میان باغ‌های انگور می‌گذشت
- نقشه‌ها و اسناد موجود از سال‌های قبل از سده ۱۴خورشیدی، مطلب خاصی را درباره این مسیر بازگو نمی‌کنند. دلیل این‌مسئله هم آن است که این مسیر در آن دوران در خارج محدوده شهری قرار داشته‌است. وجود باغ‌های انگور و میوه بسیار در زمین‌های اطراف این کوچه – یعنی محدوده روستاهای علی‌آباد، امین‌آباد و میل‌کاریز که اکنون از آن‌ها به‌ترتیب به‌عنوان کوچه ید...، میلان‌های پژمان و پژن و مجموعه راه‌آهن و سرانجام چهارراه عامل و محدوده اطراف آن در خیابان مطهری شمالی یاد می‌شود– می‌تواند این فرض را در ذهن ایجاد کند که زمین‌های این کوچه هم تا ابتدای قرن ۱۴خورشیدی بخشی از باغات بزرگ انگور و محل پرورش صیفی‌جات و میوه‌هایی چون سیب، توت، گیلاس، هلو... بوده است.

البته در برخی نوشته‌های باقی‌مانده از سال‌های پس از انقلاب مشروطه، به میم‌زار یا همان باغ‌انگوربودن این محدوده اشاره شده است. وجود چند درخت توت قدیمی که سن آن‌ها به بیش از صدسال می‌رسد، در بخش میانی این کوچه نیز گواهی دیگری برای باغبودن زمین‌های کوچه تا قبل از ایجاد کوره آجریزی توسط حسین‌باشی است.

- کوچه‌ای با ۲ کتیبه زیبا

نطفه کوچه حسین‌باشی اما در آغازین روزهای پس از شروع تغییر و تحولات در بافت قدیم شهر (ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی) به‌هدایت محمدولی اسدی (نخستین نایب‌التولیه دوران پهلوی) بسته شد. در این دوران با تخریب بخش‌هایی از برج وباروی مشهد، شرایط برای افزوده‌شدن زمین‌های مجاور این دیوار به شهر فراهم شد، البته نگاه خاص اسدی به‌گسترش شهر در جانب جنوب و محدوده ارگ و پادگان لشکر و ساختمان استانداری سبب شد زمین‌های شمالی شهر به مکانی برای تهیه مصالح این ساخت‌وساز جدید تبدیل شود. با این اندیشه بود که حسین باشی‌زاده‌فخار در دهه‌نخست‌سده ۱۴ خورشیدی

گروه تاریخ‌وهویت| اولین تعریفی که با شنیدن اسم کوچه حسین باشی به ذهن می‌رسد با یک «ترین» همراه است: طولانی‌ترین کوچه مشهد. این کوچه قدیمی که ۱۲۰۰ متر طول دارد، سال‌هاست که به یک مقصد گردشگری برای دوست‌داران شهر تبدیل شده است.
کوچه حسین‌باشی که حالا صد سالی از عمر آن می‌گذرد، در طول دوران‌های مختلف دستخوش تغییرات فراوانی شده است؛ این مسیر، روزگاری، باغ انگور و دوره‌ای محل کاشت صیفی جات بوده؛ همچنین زمانی بخش درخورتوجهی از آن به کوره آجریزی حسین‌باشی و خانه‌کارگران کوره اختصاص داشته است و اکنون هم تعداد خانه‌های مسکونی و پلاک‌های تجاری آن شانه‌به‌شانه هم می‌زنند. سطرهای بعدی نقبی است بر سرنوشت این کوچه.



در بخشی از زمین‌های خود که در کنار جاده

مالروی قدیم‌خواجه‌ربیع قرار داشت کوره‌آجریزی احداث کرد. نقشه سال ۱۳۱۰ خورشیدی مشهد، نشان می‌دهد درحالی‌که بخش ابتدایی کوچه در میان دو محدوده باغی شکل گرفته، در حاشیه شمالی کوچه هم باغات متعددی قرار دارند، اما حاشیه جنوبی کوچه به زمین افتاده بزرگی اختصاص دارد که تاگود سیستانی‌ها و پس‌ازآن تازمین‌های روستای میرکاریز امتداد پیدا می‌کند. وضعیت کوچه حسین‌باشی تا اواسط دهه ۲۰ قرن ۱۴ هم نسبت به دهه نخست این قرن تغییر چندانی نکرد و تنها با تقسیم پلاک‌های باغی بزرگ شمالی به پلاک‌های کوچک‌تر بر تعداد فرعی‌های این محدوده اضافه شد. در نقشه سال ۱۳۳۳ تعداد فرعی‌های شمالی کوچه به هشت کوچه رسید که یا بن بست بودند یا به‌صورت راه‌باغ در بین فضاهای صیفی‌کاری و باغی محدوده تا روستاهای میرکاریز و عباس‌آباد ادامه پیدا می‌کردند.

تعداد فرعی‌های بخش جنوبی کوچه هم به چهار فرعی افزایش پیدا کرد که یکی از آن‌ها پس از گود سیستانی‌ها قرار داشت و به خیابان نادری و سپس به دروازه قوچان ختم می‌شد. این روند در سال‌های بعد از دهه ۲۰، به‌ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، با سرعت بسیار بالایی ادامه پیدا کرد. ایجاد خیابان شاهرخ‌شمالی و در نتیجه از بن بست خارج شدن بخش غربی کوچه و هم‌زمان ادامه پیدا کردن خیابان شاه عباس و ایجاد خیابان عامل در محدوده گود سیستانی‌های سابق نیز باعث گسترش سکونت



نمای خانه قدیمی منتسب به حسین باشی

با عمری حدود ۱۰۰ سال دارای کتیبه و آب انبار



مدرسه سجاده‌یه حاجی عابدزاده

انقلاب اسلامی تغییرات بسیاری به خود دید. این تغییرات بیش از هرچیز به دلیل تلاش برای نوسازی پلاک‌های قدیمی کوچه رخ داد. اکنون شرایط کوچه به نحوی است که می‌توان آن را با یک اره که برخی دندانه‌های آن شکسته باشد، مقایسه کرد. در این سال‌ها، بسیاری از پلاک‌های قدیمی تخریب شدند و آپارتمان‌های کوچک و بزرگ جای آن‌ها را گرفتند. در جریان این مسئله به دلیل عقب‌نشینی‌های انجام‌شده، عرض این کوچه که بلندترین کوچه شهر است، در نقاط مختلف دستخوش تغییرات بسیار شده است.

از سوی دیگر به دلیل تبدیل برخی پلاک‌های بزرگ به پلاک‌های کوچک‌تر چند فرعی بن بست در دوسوی کوچه ایجاد شد. به‌نحوی‌که اکنون تعداد فرعی‌های شمالی و جنوبی به ترتیب هجده و چهارده فرعی است. با همه این تغییرات، هنوز کوچه حسین‌باشی در برخی محدوده‌ها رنگ و بوی دهه‌های نخست اضافه‌شدن این مسیر به شبکه کوچه‌های شهری را دارد. دو فرعی چمن افروز یا حسین‌باشی ۱۳ و دل افروز یا حسین‌باشی ۱۲ از جمله فرعی‌هایی هستند که کمتر تغییر پیدا کرده‌اند؛ همچنین وجود چند خانه قدیمی دارای رخیام (که باگزگننده ساخت آن‌ها در دهه ۲۰ و ۳۰ است)، خانه قدیمی حسین‌باشی و دو بنای مذهبی مسجد احمدیه و سجاده‌یه حاجی عابدزاده که یگانه بنای ثبت ملی‌شده این کوچه است، بر غنای این مسیر می‌افزاید.

- نامداران کوچه «حسین‌باشی»

شاخص‌ترین شخصیت این‌کوچه در طول عمر حدود صد ساله آن، کسی جز حاج حسین باشی‌زاده‌فخار نیست که نه تنها اسم کوچه‌ا نام او گرفته شده‌است، بلکه گذشته آن نیز با و پیوندی ناگسستگی دارد. هنوز در سند برخی پلاک‌های کوچه نام او دیده می‌شود و برخی منسوبان به وی همچنان در این حدود زندگی می‌کنند. دومین چهره مهم ساکن این کوچه در سال‌های نه چندان دور، شهیدی است که خیابان موازی شمالی کوچه به اسم او نام‌گذاری شده است؛ خانواده شکر... مباشرکاشانی که خیابان شاه عباس سابق در بجهوه پیروزی انقلاب از سوی مردم به نام فرزند شهیدشان، محسن مباشرکاشانی، تغییر نام داد تا اواسط دهه ۲۰ که بزرگ خانواده در قید حیات بود. در این کوچه زندگی می‌کردند... حاج رضاطون چای، بازارزی مشهور خیابان خسروی در سال‌های قبل از انقلاب که در دهه ۴۰ زمینی را برای ساخت مسجد احمدیه وقف کرد، دیگر چهره سرشناس قدیمی این کوچه است؛ همچنین حسن کلاته رحمانی، معمار تجریی که کتابت قرآن توسط او بامداد سیاه و گلی باعث معروفیتش شد، از دیگر چهره‌های شناخته‌شده این کوچه در دهه‌های اخیر هستند. علاوه بر این‌ها، مرحوم نظری که در سال‌های پایانی عمر زمین حمام عمومی خود را وقف دبستان کرد و اکنون در این زمین دبستان پسرانه نظری به‌عنوان یگانه مدرسه مسیر اصلی کوچه مشغول فعالیت است، از دیگر ساکنان سرشناس کوچه حسین‌باشی است. این کوچه در طول دوران دفاع مقدس شهدای بسیاری را تقدیم این آب و خاک کرده که شهیدان رسول شاه محمدی، محمد مهدی متدین طوسی، محمد اسماعیل عظیمی، جواد سلاطین‌اسلامی، سلمان حسن زاده، عبد عبیات، کاظم عهدی، مصطفی حکیمی، مهدی کلاته رحمانی، مهدی یونس مهاجر، اکبر ارفعی، علی کرامتی، حسین بریدعلیایی، حسن خزانی‌گلاری، عباس آزادمنجیری، محمود فکور بافنده و برادران رضا مهدی میرزایی تنها تعدادی از این عزیزان هستند و خانواده اغلب آنان هنوز در این کوچه سکونت دارند. سرانجام اینکه وجود فرعی به نام سادات رضوی بازگننده حضور مؤثر این خاندان در کوچه حسین‌باشی است.

- رنگ و بوی قدیم در کوچه «حسین‌باشی»

کوچه حسین‌باشی در سال‌های پس از پیروزی



آفتی که جان درختان بولوار ملک آباد را گرفت



تصویری از درختان شکسته و بدون مقاومت بولوار ملک آباد که سبب آسیب می‌شدند

شیرین سیدی| در سال ۱۳۱۴ که مقرر شد از میدان تقی‌آباد تا باغ وکیل‌آباد جاده‌ای بیلاقی برزند و آن را سنگ فرش کنند، نام کل مسیر جاده وکیل‌آباد بود. تا دهه ۴۰ نیز این مسیر هنوز یک جاده خارج شهر محسوب می‌شد. این جاده خاکی در همین دهه، با توسعه شهر به سمت غرب به بولواری آسفالته بدل شد و آرام‌آرام به سبب آب نهر گناباد و مسیل اقبال که از اطراف آن می‌گذشت و برآمدن درختان «آشن» به دالان سبز شهر تبدیل شد؛ اما این درختان سپیدار مانند، آب‌دوست و در مقابل خشکی بسیار نامقاوم بودند، لذا پایدار نماندند و به مرور خشک شدند. مشهدی‌هایی که دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شهر را به خاطر می‌آورند، از این مسیر سبز خاطرات شیرین و تلخ فراوان دارند؛ زیرا شکننده‌شدن درختان سبب شده بود خودروهای زیادی از سقوط آن‌ها ضرر ببینند. باقی‌مانده این درختان هم در نهایت در سال ۱۳۷۸ قطع شدند. روزنامه قدس در دوازدهم مهر این سال از قطع این درختان آفت‌زده و جایگزینی آن‌ها با درختان مقاوم خبر داده و چنین نوشته است: «با شروع فصل پاییز و آغاز باد‌های موسمی و به‌منظور پیشگیری از خطر سقوط، درختان پایدار جایگزین آن‌ها خواهد شد.»

گویا این تصمیم در جلسه‌ای با حضور فرماندار و شهردار وقت مشهد و کارشناسان محیط زیست و منابع طبیعی، کشاورزی و سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری گرفته شده و در آن، وضعیت درختان خطری و آفت‌زده بولوار ملک‌آباد که بیش از ۱۰ سال از عمر مفید آنان می‌گذشت، مورد بررسی قرار گرفته بود.

مدیرعامل وقت سازمان پارک‌های شهرداری مشهد درباره میزان آفتی که به جان این درختان افتاد بود نیز در دهه ۲۰ چنین گفته بود: «به‌رغم تشخیص خطری بودن ۹۰ درصد درختان بولوار ملک‌آباد، شهرداری مشهد تاکنون تلاش زیادی برای حفظ گونه‌های موجود نموده است که باتوجه به بیماری و آسیب‌پذیری این درختان و سقوط بیش از نهمصد اصله آن در طوفان‌های شدید و دو سال اخیر موجب وارد نمودن خسارات جانی و مالی به شهروندان شده است.»



عکسی قدیمی از بولوار ملک آباد

کارشناسان محیط زیست هم در خبرگزاری ایرنا این‌طور توضیح داده بودند: «با یک سال خشکی، آفات به‌شدت بر این درختان تأثیر کرده و با وزش باد شکننده شدند.» این کارشناس همچنین توضیح داده بود: «عمر درختان آشن خیلی طولانی نیست و معمولاً به‌صورت صنعتی و در حاشیه جویبارها و مناطق پرآب کشت می‌شوند و با دودودم و شرایط نامطلوب شهرهای بزرگ سازگاری ندارند. همان ایام شاهد پوکی، شکسته‌شدن و سقوط برخی از آن‌ها بودیم که تاکنون منجر به مصدوم یا فوت‌شدن تعدادی از شهروندان شده است.»



تصویر روزنامه‌ها از خبر جایگزینی درختان ملک آباد



گروه تاریخ‌وهویت| درگیری میان ایرانیان با اشرا – خاصه در مرزهای خراسان – قصه‌کهنه‌ای است که می‌شود دنباله حوادث مربوط به آن را در اخبار روزنامه‌های مختلف دید. این درگیری‌ها البته مربوط به این دوران نیست و می‌توان خبر آن‌ها را در جراید دوره قاجار به بعد دید. در یکی از همین اخبار که روزنامه آفتاب شرق، بهمن‌ماه ۱۳۳۴ خورشیدی، با تیتر «خبر تاسف‌آور از تالیباد» منتشر کرده، چنین آمده است: «خبرنگار ما از تالیباد اطلاع می‌دهد که روز ۳۰ دی‌ماه پنج نفر افغانی که سه نفر لباس شخصی و دو نفر لباس سربازی بر تن داشته‌اند، ساعت ۷ بعدازظهر به چوپانان ایرانی نزدیکی مرز در نقطه‌ای به نام (غش) که به تعلیف گوسفندان مشغول می‌باشند مراجعه و می‌خواهند به‌زور یک رأس گوسفند را ببرند و چون گله‌داران از این کار جلوگیری می‌نمایند، افغان‌ها کتف آن‌ها را می‌بندند و هنگامی که می‌خواهند گوسفند را با خود ببرند، امیر، فرزند هجده‌ساله صاحب گوسفند، در مقابل آن‌ها مقاومت می‌کند ولی سربازان افغانی با سرنیزه ران چپ او را می‌شکافند که حالش خطرناک و مشرف به‌موت می‌شود.»

آن‌طور که روزنامه آفتاب شرق در ادامه نوشته است، امیر در پی این جراحت شدید زنده نمی‌ماند و همین قتل هم اشرار افغان را به دام می‌اندازد؛ «افغان‌ها که این وضع را می‌بینند، به خاک خود مراجعت می‌نمایند، ولی فردا صبح برای کم کردن ردپا و بردن جنازه امیر که بعد از آن جراحت بلافاصله فوت می‌نماید و لوٲ کردن قضیه به داخل خاک ایران می‌آیند، ولی هنگامی می‌رسند که سربازان ایرانی هم از جریان آگاه و به آن محل وارد شده‌اند، سربازان ایرانی به آن‌ها ایست می‌دهند و مرداد نام (معروف به روچی که به ایست سربازان وضعی نمی‌گذارد، هدف تبر قرار گرفته و زخمی می‌شود، سرکار سرهنگ انصاری مرزبان نیز به اتفاق مرزبان افغانستان به محل وقوع حادثه می‌روند و جنازه امیر و ردپای افغان‌ها را ملاحظه و با حضور مرزبان افغانستان صورت مجلس تنظیم می‌کنند. وقوع حادثه در ۷۷ کیلومتری جنوب شرقی تالیباد بوده است.»